

تورمی معادل ۴۸/۷ درصد را بر تورم موجود هر سال بیفزاید.

رفاه از کجا؟

بر اساس برخی مواد لایحه - علی‌الخصوص ماده پنجم و بندهای زیرگروه آن - دولت می‌تواند حداکثر ۶۰ درصد وجوه حاصل از اجرای این قانون را در بندهایی هزینه کند که اکثریت قریب به اتفاق آنها به مقوله توزیع مجدد درآمدها باز می‌گردند.

در این که یکی از وظایف هر دولت، تأمین رفاه اقتصادی مردم است، هیچ تردیدی وجود ندارد، اما مسأله تأمین مالی آن موضوعی حایز اهمیت است. نظام توزیع مجدد درآمد - همان طور که از نامش برمی‌آید - منبعت از منابع درآمدی همان نظام مالیاتی می‌باشد. اختصاص بیش از نیمی از درآمد حاصل از اجرای این قانون و پرداخت مستقیم و غیرمستقیم به مصرف‌کنندگان، علاوه بر افزایش تورم موجود، صنایع مولد ایرانی را به زانو در خواهد آورد. بعید نیست که افزایش هزینه‌های ناشی از افزایش قیمت انرژی در صنایع تولیدی کشور، زمینه را برای تعدیل نیرو و افزایش بیش از پیش نرخ بیکاری در کشور فراهم سازد و چه بسا بر خلاف نظر وزیر کار مبنی بر کاهش نرخ بیکاری - معادل ۷ درصد بیکاری در سال ۹۴ - این مقوله روند تصاعدی در پیش بگیرد. بر اساس ماده نهم از لایحه هدفمندسازی یارانه‌ها، دولت مکلف است صندوق هدفمندسازی یارانه‌ها را برای مصارف مقرر در این قانون و اجرای آن تشکیل دهد که مصارف آن با تأیید هیأت امنای صورت خواهد گرفت. اعضای هیأت امنای این صندوق را وزیران امور اقتصادی و دارایی، رفاه و تأمین اجتماعی، معاونت برنامه‌ریزی، نظارت راهبردی و رئیس‌جمهور تشکیل می‌دهند. ریاست این هیأت نیز بر عهده شخص رئیس‌جمهور می‌باشد.

با تصویب این بند، به نظر می‌رسد که دولت هیچ مانعی برای برداشت از منابع موجود ندارد، چراکه تصمیم‌گیری، تصویب و اجرا بر عهده دولت خواهد بود. اگر طی سالیان گذشته مانعی نظیر بانک مرکزی برای برداشت پیاپی دولت از صندوق ذخیره ارزی وجود داشت، با تصویب این بند از قانون مزبور، دولت دیگر مجبور به اخذ مجوز نخواهد بود. تزریق بی‌دلیل نقدینگی به جامعه که طی سال‌های گذشته، کمابیش با مخالفت بانک مرکزی روبه‌رو بود، دیگر مخالفی نخواهد داشت. اگرچه یکی از اهداف این صندوق، توسعه و سرمایه‌گذاری برای افزایش تولید انرژی در کشور است، بعید نیست که با سابقه‌ای که دولت در برداشت سالانه خود از حساب صندوق ذخیره ارزی نشان داده است، برداشت‌ها و مخارج خود را از محل منابع صندوق هدفمندسازی یارانه‌ها، توجیهی برای افزایش سرمایه‌گذاری در حیطه انرژی قلمداد کند تا هم به مصداق قانونی خود عمل کرده باشد و هم کسری بودجه خود را به راحتی از جیب انرژی کشور تأمین

انکاری را به بار خواهد آورد، حذف افزایش درآمد، تداوم معیشت افراد جامعه را مختل خواهد کرد. لذا بهتر است دولت به جای اتخاذ تصمیم‌های عجولانه در مباحث اقتصادی، برای گسترده‌نگی نامتعارف خود چاره‌ای بیاندیشد و با کاستن از هزینه‌های سنگین و کمرشکن خود، اقتصاد نابسامان کشور را سامان دهد. ■

تهدیدی برای تولید و اشتغال

مزیت، بی‌مزیت!

افزایش قیمت‌های انرژی، در شرایط کنونی و اوضاع نابسامان تولید داخلی کشور، می‌تواند با حذف مزیت‌های تولید و کاهش توان رقابتی واحدهای تولیدی، اوضاع تولید، اشتغال و رشد اقتصادی کشور را با بحران مواجه کند.

بر اساس گزارش واحد تحقیقات ماهنامه «اقتصاد ایران»، صادرات غیرنفتی ایران در پایان سال ۸۶ معادل ۱۵/۶۳ میلیارد دلار (برابر با ۱۴۶ هزار و ۳۱۵ میلیارد ریال) بوده است که با توجه به روند صادرات کشور در ۱۰ ماهه سال جاری، برآورد «اقتصاد ایران» از صادرات غیرنفتی کشور تا پایان سال ۸۷ معادل ۱۶/۲ میلیارد دلار (برابر ۱۶۱ هزار و ۸۸۶ میلیارد ریال) می‌باشد. صادرات و تعامل بازرگانی موفق کشورمان با سایر کشورهای جهان و رشد متوالی مثبت در حوزه صادرات غیرنفتی کشور، حاکی از یک برنامه‌ریزی هدفمند در سال‌های گذشته است که این مهم در سایه مزیت‌های تولید کشور - به خصوص در بخش انرژی - منجر به رشد نسبی تولید در کارخانجات صنعتی و تولیدی بزرگ و کوچک شده است.

هرچند مشکلات و مسایلی از قبیل کمبود نقدینگی، واردات بی‌رویه محصولات خارجی به داخل، محدودیت‌های گمرکی صادرات، قوانین پیچیده و دست‌وپاگیر، معضلات مالیاتی و قانون کار، همگی در کاهش سرعت رشد تولید در کشور دخیل می‌باشند، اما توجه به برخی مزیت‌ها همچون نیروی کار ارزان و قیمت‌های پایین منابع انرژی - که ناشی از مزیت‌های تولید و استحصال این منابع است - می‌تواند به افزایش سطح تولید و توان رقابت تولید منجر گردد. این در حالی است که در صورت تصویب لایحه هدفمندسازی یارانه‌ها، تولیدکننده بخش خصوصی باید برای تأمین نفت گاز (گازوییل)، به جای پرداخت ۱۶۵ ریال در هر لیتر، مبلغ ۲ هزار و ۷۰۰ و ۳ یا ۲ هزار و ۵۰۰ ریال پرداخت کند. اگر فقط مبلغ دو هزار و ۷۰۰ ریالی را که بر اساس پرده اول سناریوی تحول اقتصادی مطرح شده است در نظر بگیریم، هزینه تمام شده بخش خصوصی، بیش از هزار و ۵۰۰ درصد افزایش را تجربه خواهد کرد. نکته قابل توجه آن است که این میزان افزایش در هزینه تمام شده بخش خصوصی، بخش ناچیزی از افزایش هزینه

است که حاصل افزایش هزینه انرژی و سوخت مورد نیاز بنگاه خصوصی می‌باشد. هزینه‌های جنبی ناشی از افزایش قیمت انرژی، نظیر فشار دستمزد نیروی کار، حمل‌ونقل، تورم قیمت محصولات اولیه و مواردی از این قبیل، هزینه تمام شده بخش خصوصی را بیش از این ارقام افزایش خواهد داد.

بر اساس آمار واحد تحقیقات ماهنامه «اقتصاد ایران»، در صورتی که نرخ تورم ۲۳/۳ درصدی تولیدکننده داخلی را - که ۶/۵ درصد نسبت به سال گذشته رشد داشته است - به انضمام کاهش ارزش دلار در مقابل ریال - که از اواسط ژانویه ۲۰۰۹ رخ داده است - به معضل فوق بیافزاییم، افزایش هزینه بخش خصوصی رقمی در حدود ۲ هزار و ۱۵۰ درصد خواهد بود. این در حالی است که مطابق سند چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور، توسعه صادرات محصولات غیرنفتی - تا جایی که قدرت اول اقتصادی منطقه باشیم - در گروی حمایت از تولیدکننده داخلی و حمایت و تقویت مزیت‌های تولید می‌باشد. مضاف بر آن که کشورهای منطقه نیز ضمن بهبود اهداف و ارقام رشد اقتصادی خود و با برنامه‌ریزی و مدیریت صحیح، برای دستیابی به اهداف والاتر تلاش خواهند کرد. این موضوع حاکی از تعمیق شکاف بین کشورمان با کشورهای منطقه است که در اثر تضاد اهداف از پیش تعریف شده کشور با سیاست‌های بی‌ثبات - گاهی حتی بدون اعمال نظر کارشناسان دولت‌ها - حاصل شده است.

مشکلات بیشتر می‌شود

افزایش قیمت حامل‌های انرژی قطعاً سطح بیکاری را در جامعه با رشدی فزاینده مواجه خواهد کرد که البته این موضوع با کاهش هفت درصدی نرخ بیکاری تا سال ۹۳ - که مدنظر برنامه پنجم توسعه است - کاملاً در تعارض می‌باشد.

علاوه بر معضلات فوق و در صورت تصویب و

اجرای لایحه مذکور و با عدم حمایت از تولیدکنندگان و بازرگانان داخلی، تراز منفی حساب سرمایه کشور نیز، حتی تا بیش از ۲۰ درصد افزایش خواهد یافت.

مسائل فوق‌الذکر فقط گوشه‌ای از پیامدهای افزایش قیمت حامل‌های انرژی خواهند بود. نداشتن پاسخی مناسب برای این سؤال که چرا دولت در بحران

مکانیزم تعیین قیمت انرژی

در تنگنا

و رکود فعلی بسیاری از صنایع جهان، تصمیم به تحمیل رکودی ساختگی به صنایع داخلی کشور گرفته است، چالش اقتصاددانان و بسیاری از دلسوزان نظام است، چراکه در شرایط کنونی، می‌توان با تقویت مزیت‌ها، شرایط را برای ظهور بنگاه‌های جدید و حضور در بازارهای جهانی فراهم کرد. ■

ناراضیاتی در بخش مولد کشور - خواهد بود، اما به هیچ وجه قادر نخواهد بود رشد اقتصادی مدنظر مسؤولان را رقم بزند.

اکنون این سؤال به ذهن خطور می‌کند که آیا دولت واقعاً یارانه‌ای برای انرژی پرداخت می‌کند؟

بر اساس بررسی‌های واحد تحقیقات ماهنامه «اقتصاد ایران»، هزینه تمام شده یک لیتر بنزین برای بخش دولتی ۸۰ تومان خواهد بود، در حالی که دولت با تحمیل هزینه‌های اضافی و سرسام‌آور ناشی از عدم کارایی و گستردگی بیش از حد خود، باعث تحمیل هزینه‌های اضافی و غیرواقعی و افزایش قیمت تمام شده محصول می‌شود. این سؤال که چرا بخش خصوصی نمی‌تواند در تولید حامل‌های نفتی و فرآورده‌های آن در شرایط ناموفق محیط کسب و کار حاضر مشارکت کند، همواره ذهن را به چالش می‌کشد! در حالی که همگی واقفیم چنانچه بخش خصوصی اجازه چنین فعالیتی را می‌داشت، نه تنها نیاز به واردات کاهش می‌یافت، بلکه به دلیل کارایی بالای بخش خصوصی - در قیاس با بخش دولتی - هزینه تمام شده تولید بنزین از ۸۰ تومان نیز کمتر می‌شد. با این توضیح به راحتی می‌توان دریافت که علت بالا بودن قیمت بسیاری از حامل‌های انرژی، انحصاری بودن تولید این حامل‌ها توسط دولت و عدم کارایی شرکت‌های دولتی در کاهش هزینه تمام شده این محصولات می‌باشد.

بر اساس گزارش امور بین‌الملل وزارت نفت و با توجه به این که قیمت هر متریک تن بنزین در خلیج فارس در تاریخ هشتم آذر ماه سال جاری رقمی معادل ۲۷۸/۲۳ دلار بوده، با تقسیم رقم مذکور بر عدد هزار و ۳۵۱ - فرمول تبدیل متریک تن به لیتر - قیمت هر لیتر بنزین ۰/۲۰۶ دلار است. با توجه به قیمت دلار در روز مورد بررسی که برابر با ۱۰ هزار و ۱۰۴ ریال بوده است، قیمت هر لیتر بنزین، ۲ هزار و ۸۱ ریال خواهد بود که پس از افزودن مالیات ۳۰ درصدی به آن و با احتساب هزینه‌های حمل و نقل و توزیع آن در داخل، قیمت تمام شده بنزین وارداتی در حدود سه هزار ریال برآورد می‌شود.

اما این نکته را نباید فراموش کرد که شرکت ملی نفت، برای واردات بنزین می‌تواند از ارز دولتی بهره‌برد که این امر باعث می‌شود قیمت تمام شده بنزین به شدت تنزل یابد که در این صورت، این رقم در حدود ۳۷۰ تا ۴۰۰ ریال خواهد بود. پس، چه در صورت تولید بنزین و چه واردات آن با ارز دولتی، هیچ یارانه‌ای به این محصول تعلق نمی‌گیرد. اما چنین به نظر می‌رسد که دولت به جای استفاده از ارز آزاد، از ارز یارانه‌ای - که همان ارز دولتی می‌باشد - به شرکت نفت داده تا صرف واردات بنزین نماید. در هر صورت، افزایش قیمت این محصول، فقط مالیات دریافتی دولت را افزایش می‌دهد، نه این که به حذف یارانه‌ها بیانجامد. ■

در حالی که هزینه تولید یک لیتر بنزین در داخل، رقمی نزدیک به ۸۰ تومان می‌شود، صحبت از پرداخت یارانه به این محصول، کمی غیرمنطقی به نظر می‌رسد.



چنین به نظر می‌رسد که طرح هدفمند شدن یارانه‌ها و سپس آزادسازی قیمت‌ها - خصوصاً آزادسازی قیمت حامل‌های انرژی - راهی میان‌بر برای افزایش غیرطبیعی قیمت‌های انرژی در کشور باشد؛ نه آزادسازی بر مبنای قیمت‌های تعادلی ناشی از عرضه و تقاضا. با اشراف به پیامدهای طرح مذکور و با توجه به این مهم که معایب قیمت‌گذاری فرآورده‌های نفتی، بر حسب قیمت‌های فوب خلیج فارس، بسیار بیشتر از محاسن آن می‌باشد، ضرورت اتخاذ سیاست‌هایی که علاوه بر تأمین هدف طرح آزادسازی قیمت‌ها، کمترین آسیب را بر پیکره اقتصاد جامعه وارد نماید، کاملاً احساس می‌شود. در غیر این صورت، تعیین قیمت با شیوه پیشنهادی فعلی دولت بهتر است «کان لم یکن» تلقی گردد.

موضوع عجیب و سؤال برانگیز، در تعارض بودن طرح مزبور با اهداف اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی است. زیرا این طرح با رویکرد دولت در راستای پیاده‌سازی اصل ۴۴ و به موازات آن، رشد بخش خصوصی در بخش‌های مولد کشور - به دلیل تبعات ناشی از گرانی قیمت حامل‌های انرژی و افزایش هزینه تمام شده در تمامی بخش‌ها - ناهماهنگ و متناقض است.

از طرفی، نرخ مشارکت فعلی اقتصاد کشور ۳۹/۹ درصد می‌باشد که بر اساس پیش‌بینی‌های واحد تحقیقات ماهنامه «اقتصاد ایران»، این رقم پس از

اجرای طرح مزبور به زیر ۳۸ درصد خواهد رسید. این که دولت برای حل مشکلات و معضلات بزرگی همچون کسری بودجه ۹۶ هزار میلیارد ریالی خود از رانت انرژی کمک بگیرد و به این ترتیب مشکلات و مسائل بزرگتری را برای مردم و اقتصاد جامعه رقم بزند، حرکتی پسنندیده نخواهد بود. دولت برای رفع چنین مشکلاتی، به حمایت

بخش خصوصی - که در سال گذشته رقمی بالغ بر ۱۹۱ هزار و ۸۱۵ میلیارد ریال درآمد مالیاتی را نصیب دولت نموده است - نیاز دارد. حال آن که وضع چنین قوانینی، اگرچه در کوتاه‌مدت چاره‌ساز بوده و منشأ درآمدی کوتاه‌مدت برای دولت - البته با ایجاد

